



A Sociological Explanation of the Effect of Virtual Social Networks on the Formation of Urban Protest Movements: The Mediating Role of Online Social Capital

Mohammad Reza Heshmaty ^{1*}

1- Ph.D. Graduate in Sociology, Sociology of Iranian Social Issues, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran
Rezaheshmaty1037@gmail.com

Volume info

Vol. 19
Series: 71
Summer 2026
P.P: 207-235

Article Type

Research Paper

Article History

Received:

2025-10-10

Revised:

2025-11-04

Accepted:

2026-08-03

Published:

2026-08-31

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857

E-ISSN: 2645-5250



Abstract

The present study aimed to sociologically explain the effect of virtual social networks on the formation of urban protest movements, with an emphasis on the mediating role of online social capital. Drawing on Resource Mobilization Theory and Social Capital Theory, the study examined how digital interactions affected users' social and political mobilization capacities. The research employed a descriptive-analytical design and a survey method for data collection. The statistical population consisted of active users of Instagram, Telegram, and Twitter residing in the metropolis of Tehran, from whom 350 participants were selected using non-probability purposive sampling. Data were collected using a researcher-made Virtual Social Networks and Protest Movements Questionnaire, developed by the researcher in 2026, and were analyzed using SPSS and SmartPLS through structural equation modeling. The findings showed that the use of virtual social networks had a positive and significant effect on users' willingness to participate in urban protest movements. Online social capital also played a significant mediating role in the relationship between virtual social network use and participation in urban protest movements, while network-based interactions strengthened trust, social cohesion, and interactive norms among users. The results indicated that virtual social networks, beyond their information-dissemination function, provided considerable capacity for facilitating organization and strengthening solidarity among social actors. Therefore, greater attention to online social capital and the promotion of media literacy could contribute to the effective management of the social and political consequences of networked collective action.

Keywords: Virtual Social Networks, Online Social Capital, Urban Protest Movements, Resource Mobilization, Political Participation

Cite this Article: Heshmati, Mohammad Reza. (1405). A Sociological Explanation of the Impact of Virtual Social Networks on the Formation of Urban Protest Movements, Mediated by Online Social Capital. Security Horizons, 19(71), 207–235.

Dor: [20.1001.1.25381857.1405.19.71.8.5](https://doi.org/10.25381/SH.1405.19.71.8.5)



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جنبش‌های اعتراضی شهری با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی آنلاین

محمد رضا حشمتی^{۱*}

۱- دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
Rezaheshmaty1037@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شهری با تأکید بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین انجام شد. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه بسیج منابع و نظریه سرمایه اجتماعی، به بررسی چگونگی تأثیر تعاملات دیجیتال بر ظرفیت بسیج اجتماعی و سیاسی کاربران پرداخت. پژوهش از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها پیمایشی بود. جامعه آماری شامل کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، تلگرام و توئیتر ساکن کلان‌شهر تهران بود که ۳۵۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته شبکه‌های اجتماعی و جنبش اعتراضی، تدوین شده، گردآوری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تمایل کاربران به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری تأثیر مثبت و معناداری داشت. همچنین سرمایه اجتماعی آنلاین در رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری نقش میانجی معناداری ایفا کرد و تعاملات شبکه‌ای موجب تقویت اعتماد، انسجام و هنجارهای تعاملی میان کاربران شد. نتایج نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی، افزون بر کارکرد اطلاع‌رسانی، ظرفیت قابل توجهی برای تسهیل سازمان‌یابی و تقویت همبستگی میان کنشگران اجتماعی داشتند. از این رو، توجه به سرمایه اجتماعی آنلاین و ارتقای سواد رسانه‌ای می‌توانست در مدیریت پیامدهای اجتماعی و سیاسی کنشگری شبکه‌ای مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ سرمایه اجتماعی آنلاین؛ جنبش‌های اعتراضی شهری؛ بسیج منابع؛ مشارکت سیاسی

سال و شماره

سال ۱۹، پیاپی: ۷۱
تابستان ۱۴۰۵
صص: ۲۰۷-۲۳۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: حشمتی، محمد رضا. (۱۴۰۵). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری جنبش‌های

اعتراضی شهری با نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۹(۷۱)، ۲۰۷-۲۳۵.

Dor: 20.1001.1.25381857.1405.19.71.8.5



ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع). نویسندگان.



مقدمه

گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی در دو دهه‌ی اخیر، ساختار ارتباطات انسانی و الگوهای کنش جمعی را به‌طور بنیادین متحول کرده است. پلتفرم‌هایی چون توئیتر، فیسبوک و تلگرام، امروزه تنها ابزار ارتباط روزمره نیستند، بلکه به عرصه‌هایی برای تبادل اطلاعات، سازماندهی اعتراض و تولید گفتمان عمومی تبدیل شده‌اند (Tufekci, 2017). تجربه‌های جهانی نظیر «بهار عربی» و «اعتراضات هنگ کنگ» نشان دادند که رسانه‌های دیجیتال چگونه می‌توانند نارضایتی‌های پراکنده را به کنش جمعی منسجم بدل کنند و ساختارهای قدرت را به چالش کشند (Howard & Hussein, 2013). در ایران نیز تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۸ نمونه‌هایی از نقش برجسته‌ی شبکه‌های مجازی در بسیج نیروهای اجتماعی و بازنمایی اعتراضات شهری محسوب می‌شوند (Rahimi, 2011). از منظر جامعه‌شناختی، درک سازوکارهایی که شبکه‌های اجتماعی از طریق آن‌ها بر شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی اثر می‌گذارند، نیازمند رویکردی تلفیقی است که هم ویژگی‌های فناورانه‌ی این بسترها و هم فرآیندهای اجتماعی مانند اعتماد، همیاری و هویت مشترک را دربرگیرد. این ابعاد اغلب در قالب مفهوم «سرمایه اجتماعی آنلاین» تبیین می‌شوند (Ellison, Steinfield, & Lampe, 2007). بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نشان می‌دهد تعاملات دیجیتال چگونه از سطح رفتارهای فردی فراتر رفته و شبکه‌های منسجمی می‌سازند که قادر به کنش جمعی هستند (Putnam, 2000). با توجه به گسترش فزاینده‌ی بسیج‌های دیجیتال‌محور، تحلیل این پدیده در چارچوب جامعه‌شناسی معاصر می‌تواند به درک ژرف‌تری از تحولات مشارکت مدنی، کنش سیاسی و همبستگی اجتماعی در عصر دیجیتال بینجامد.

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شهری، به‌ویژه با تمرکز بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین، از موضوعات محوری در تحلیل تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر به‌شمار می‌آید. شبکه‌های اجتماعی به عنوان بسترهای دیجیتال، امکان ایجاد و گسترش شبکه‌های ارتباطی، تسهیل بسیج منابع و تقویت هویت جمعی را فراهم می‌کنند (Bennett & Segerberg, 2012). سرمایه اجتماعی آنلاین در این میان، به سطح

اعتماد، تعامل متقابل و هنجارهای مشارکتی میان کاربران اشاره دارد که انسجام و مشروعیت کنش جمعی را افزایش می‌دهد (Ellison et al., 2007). پژوهش‌های گوناگون نشان داده‌اند که استفاده از رسانه‌های اجتماعی ضمن تقویت ظرفیت بسیج، احساس کارآمدی سیاسی را نیز ارتقا می‌دهد (Tufekci, 2017). به‌طور خاص، والنزولا (۲۰۱۳) نشان داده است که شدت تعامل در شبکه‌های اجتماعی با میزان مشارکت واقعی در کنش اعتراضی رابطه‌ی مستقیم دارد. همچنین، کاستلز (۲۰۱۲) با تأکید بر نقش «شبکه‌های افقی ارتباطی»، بر این باور است که فضای دیجیتال بستر پیدایش الگوهای نوین مقاومت شهری را فراهم می‌سازد. با این حال، چگونگی میانجی‌گری سرمایه اجتماعی آنلاین در این فرایند هنوز به‌طور کامل تبیین نشده است؛ موضوعی که پژوهش حاضر درصدد روشن ساختن آن است.

با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه در پژوهش‌های مرتبط با نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی، برخی ابعاد کلیدی این پدیده همچنان مغفول مانده است. بخش عمده‌ای از مطالعات بر کارکرد اطلاع‌رسانی و بسیج منابع تمرکز داشته‌اند، اما تعامل میان سازوکارهای سرمایه اجتماعی آنلاین و تداوم مشارکت مدنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Valenzuela, 2013). افزون بر این، بیشتر مطالعات به پیامدهای سیاسی کوتاه‌مدت شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند و فرآیند تدریجی شکل‌گیری اعتماد دیجیتال و هویت مشترک را کمتر تحلیل کرده‌اند (Tufekci, 2017). همچنین، تنها شمار اندکی از پژوهش‌ها تفاوت میان بسترهای مختلف (مانند تلگرام و توییتر) در خلق سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر شدت و پایداری جنبش‌های اعتراضی را بررسی کرده‌اند (استین‌جانسن و ولبک^۱، ۲۰۱۳). این شکاف‌ها نشان می‌دهد که برای فهم دقیق پویایی‌های کنش اعتراضی دیجیتال، نیازمند پژوهش‌هایی چندسطحی هستیم که هم ساختار ارتباطات شبکه‌ای و هم فرآیندهای هنجاری سرمایه اجتماعی را در بسترهای فرهنگی و سیاسی متنوع مطالعه کنند.

بسیاری از مطالعات اولیه بر جنبه‌های سطحی شبکه‌های اجتماعی - همچون سرعت بسیج یا گسترش اطلاعات - تمرکز داشته‌اند. (Castells, 2012) اما کمتر به این مسئله پرداخته‌اند که

1- Steen Johnsen

چگونه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آنلاین، از جمله اعتماد دیجیتال، هنجارهای تعاملی و انسجام شبکه‌ای، فرآیند تبدیل نارضایتی فردی به کنش جمعی پایدار را تسهیل می‌کنند (Ellison et al., 2007). علاوه بر این، تمرکز بر نمونه‌های خاص سیاسی سبب شده است تا تفاوت‌های فرهنگی و نهادی در محیط‌های گوناگون کمتر مورد توجه قرار گیرد. (Tufekci, 2017) در بافت اجتماعی ایران، این مسئله اهمیتی مضاعف می‌یابد؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی یکی از محدود میدان‌های عمومی برای بیان مطالبات و سازماندهی کنش‌های مدنی هستند. در چنین شرایطی، شناخت نحوه‌ی شکل‌گیری و کارکرد سرمایه اجتماعی آنلاین می‌تواند به فهم بهتر الگوهای نوین اعتراضات شهری و تدوین سیاست‌های فرهنگی مؤثر در زمینه‌ی ارتقای سواد رسانه‌ای، گفت‌وگوی مدنی و مشارکت مسئولانه کمک کند. از این رو، پژوهش حاضر با تلفیق دو رویکرد نظری «بسیج منابع» و «سرمایه اجتماعی»، تلاشی برای پر کردن شکاف نظری موجود در تبیین رابطه‌ی میان فناوری ارتباطی، اعتماد دیجیتال و کنش اعتراضی در جامعه‌ی ایران است.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شهری و بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین در این فرآیند است. بر همین اساس، پرسش‌های اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه بر تمایل افراد به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی اثر می‌گذارد؟
۲. سرمایه اجتماعی آنلاین تا چه میزان می‌تواند رابطه‌ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و شکل‌گیری رفتار اعتراضی را تبیین کند؟
۳. کدام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آنلاین - مانند اعتماد دیجیتال، هنجارهای مشارکتی و انسجام شبکه‌ای - در این رابطه نقش اساسی دارند؟

این مقاله برای پاسخ به پرسش‌های فوق در چهار بخش تنظیم شده است: بخش نخست به مرور ادبیات نظری و تجربی می‌پردازد؛ بخش دوم چارچوب نظری و مدل تحلیلی را ارائه می‌کند؛ بخش سوم روش‌شناسی پژوهش و ابزار گردآوری داده‌ها را تشریح می‌کند؛ و بخش پایانی به

تحليل يافته‌ها و پيامدهای نظری و عملی اختصاص دارد. این ساختار به گونه‌ای طراحی شده است که مسیر منطقی پژوهش را شفاف ساخته و زمینه‌ی لازم برای ورود به بحث ادبیات موضوع فراهم آورد.

ادبیات نظری

در عصر دیجیتال، جنبش‌های اعتراضی شهری به پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده تبدیل شده‌اند که دیگر نمی‌توان آن‌ها را تنها بر اساس عوامل اقتصادی یا سیاسی توضیح داد. شبکه‌های اجتماعی مجازی بستری فراهم کرده‌اند که در آن نارضایتی‌های فردی و پراکنده می‌تواند به سرعت به کنش‌های جمعی سازمان‌یافته و هدفمند تبدیل شود. برای تبیین این پدیده، لازم است از رویکردی چندلایه بهره گرفت که هم ابعاد ساختاری و ارتباطی را در نظر گیرد و هم مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه اسلامی را لحاظ کند. در این راستا، دو نظریه‌ی «بسیج منابع» و «سرمایه اجتماعی» به عنوان چارچوب‌های نظری اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما برای دستیابی به تبیینی بومی و جامع، این دو نظریه باید با مبانی قرآنی و فقهی چون «تعاون»، «شورا» و «امر به معروف و نهی از منکر» ترکیب شوند تا تصویری منسجم از کنش جمعی در بستر جامعه اسلامی ارائه دهند.

نظریه‌ی بسیج منابع که نخستین بار توسط «مک‌کارتی» و «زالد» مطرح شد (McCarthy & Zald, 1977)، بر این اصل استوار است که جنبش‌های اجتماعی زمانی امکان‌پذیر می‌شوند که گروه‌ها بتوانند منابع مادی و غیرمادی خود را به صورت سازمان‌یافته بسیج کنند. این منابع شامل اطلاعات، ارتباطات، مهارت‌ها و مشروعیت اجتماعی است که از طریق شبکه‌های ارتباطی و سازمانی در اختیار کنشگران قرار می‌گیرد. در عصر رسانه‌های دیجیتال، این فرایند با سرعت و گستردگی بیشتری انجام می‌شود و هزینه‌های هماهنگی و سازمان‌دهی به میزان چشمگیری کاهش می‌یابد. (Bennett & Segerberg, 2012) در واقع، شبکه‌های اجتماعی مجازی ابزارهایی هستند که امکان تبدیل نارضایتی‌های فردی به کنش جمعی را فراهم می‌سازند و موجب می‌شوند شهروندان در واکنش به مسائل اجتماعی یا سیاسی، به شکلی سریع و گسترده اقدام کنند.

از منظر اسلامی، مفهوم بسیج منابع را می‌توان با آموزه‌ی قرآنی «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده، ۲) تطبیق داد. در این آیه، تعاون و همکاری در مسیر خیر و عدالت، به عنوان یک وظیفه‌ی

جمعی و اخلاقی معرفی می‌شود که هدف آن اصلاح جامعه و تحقق عدالت الهی است. بنابراین، می‌توان از مفهوم «بسیج منابع اخلاقی» سخن گفت؛ یعنی استفاده از ظرفیت‌های انسانی، ایمانی و دانشی جامعه در راستای ارزش‌های الهی و مسئولیت دینی. در نگاه اسلامی، کنش جمعی نه صرفاً محصول منافع فردی یا عقلانیت ابزاری، بلکه برآمده از ایمان، تقوا و احساس مسئولیت نسبت به جامعه است.

در کنار این رویکرد، نظریه‌ی سرمایه اجتماعی که در آثار «پاتنام» و «لین» مطرح شده است، بُعد مکملی از تبیین جنبش‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. (Putnam, 2000; Lin, 2001) سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از پیوندها، اعتماد متقابل و هنجارهای همیاری اشاره دارد که ظرفیت کنش جمعی را افزایش می‌دهد. در محیط دیجیتال، شکل تازه‌ای از این مفهوم با عنوان «سرمایه اجتماعی آنلاین» پدید آمده است که بر پایه‌ی اعتماد مجازی، تعامل مستمر و هویت مشترک میان کاربران شکل می‌گیرد. (Ellison et al., 2007) پژوهش‌های معاصر همچون آثار «تافکچی» و «کاستلز» نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی آنلاین نقشی اساسی در گذار از نارضایتی فردی به کنش جمعی دارد؛ زیرا اعتماد دیجیتال، هویت مشترک و تعامل مداوم، سه عنصر کلیدی در ایجاد ظرفیت جمعی برای اعتراض و اقدام اجتماعی هستند (Tufekci, 2017; Castells, 2012).

نظریه شبکه‌ها و مشارکت مدنی ۱

بر اساس دیدگاه تاملینا در نظریه شبکه‌ها، اعتماد اجتماعی عمدتاً از طریق عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، تعاملات اجتماعی و پیوندهای بین فردی شکل می‌گیرد. او بر این باور است که اعتماد نه به صورت ذاتی، بلکه از رهگذر ارتباطات مستمر، همکاری‌های داوطلبانه و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. هرچه پیوندهای افقی میان افراد یک جامعه گسترده‌تر باشد، احساس همبستگی و اطمینان متقابل نیز افزایش می‌یابد. از منظر تاملینا، عضویت در انجمن‌ها، گروه‌های مدنی و اکنون شبکه‌های دیجیتال، نقش اساسی در بازتولید سرمایه اجتماعی دارد. این پیوندهای شبکه‌ای، مبنای اعتماد را از سطح شخصی به سطح جمعی ارتقا می‌دهند و موجب شکل‌گیری هنجارهای اعتماد عمومی می‌شوند. بنابراین، جامعه‌ای که در آن ارتباطات شبکه‌ای و

مشارکت‌های افقی فعال‌تر باشند، از سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی برخوردار خواهد بود. این نظریه در واقع توضیح می‌دهد که چگونه سرمایه اجتماعی به واسطه ارتباطات پایدار، به اعتماد اجتماعی منجر می‌شود و همین اعتماد، بستر لازم برای مشارکت مدنی و سیاسی را فراهم می‌کند. به بیان دیگر، شبکه‌های ارتباطی منسجم، زیربنای بازتولید اعتماد و انسجام اجتماعی در جوامع مدرن محسوب می‌شوند (Ellison et al, 2007)

نظریه اعتماد و جنبش‌های اجتماعی^۱

بر اساس دیدگاه Weipert-Fenner اعتماد - چه در قالب اعتماد میان‌فردی میان اعضای جامعه و چه به صورت اعتماد نهادی به ساختارهای حکمرانی - یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری، تداوم و مشروعیت‌بخشی به جنبش‌های اعتراضی است. او معتقد است که بدون سطحی از اعتماد درون‌گروهی، امکان سازمان‌دهی مؤثر، هماهنگی تاکتیکی و بسیج منابع برای اعتراضات جمعی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، فرسایش اعتماد به نهادهای رسمی و سیاسی، خود می‌تواند محرک نیرومندی برای آغاز و گسترش اعتراضات مدنی باشد. وایپرت فنر تأکید می‌کند که اعتماد دو کارکرد متضاد اما مکمل دارد: از یک سو زمینه‌ی مشارکت و همکاری درون جنبش را فراهم می‌سازد، و از سوی دیگر، در صورت از دست رفتن، به عاملی برای چالش با نظم موجود تبدیل می‌شود. او نشان می‌دهد که در عصر رسانه‌های دیجیتال، بازتولید اعتماد میان معترضان از طریق شبکه‌های اجتماعی تسهیل شده است و این فضاها، جایگزین انجمن‌های سنتی در ایجاد انسجام جنبشی شده‌اند. به بیان دیگر، شبکه‌های اجتماعی بستر نوینی برای شکل‌دهی «اعتماد کنش‌گرانه» فراهم کرده‌اند که موتور محرک جنبش‌های اعتراضی در جوامع مدرن محسوب می‌شود (Weipert-Fenner, 2024)

نظریه اعتماد اجتماعی معاصر^۲

در پژوهش اخیر کربی^۳ با عنوان «اعتماد اجتماعی چیست؟»، نویسنده تلاش می‌کند تا مفهوم اعتماد اجتماعی را در بستر تحولات جوامع دیجیتال بازخوانی کند. او استدلال می‌کند که در

1 Trust and Social Movements Theory

2 Contemporary Theory of Social Trust

ادبیات نوین علوم اجتماعی، هنوز اجماع روشنی درباره چستی و سازوکارهای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی وجود ندارد، اما ظهور فضاهای دیجیتال و گسترش شبکه‌های ارتباطی مجازی، این مفهوم را وارد مرحله‌ای جدید کرده است. کربی بر این باور است که در جوامع شبکه‌ای، اعتماد نه تنها میان افراد، بلکه میان کاربران و فناوری نیز شکل می‌گیرد و از طریق سازوکارهای ارتباطی آنلاین بازتولید می‌شود. او تأکید دارد که رسانه‌های اجتماعی، بسترهایی برای شکل‌گیری «اعتماد تعاملی» فراهم می‌کنند؛ اعتمادی که بر پایه تجربه‌های مشترک، اشتراک‌گذاری اطلاعات و تعاملات روزمره در فضای مجازی بنا می‌شود. به زعم او، اعتماد اجتماعی در عصر دیجیتال، بیش از آنکه بر روابط چهره‌به‌چهره استوار باشد، بر پیوندهای شبکه‌ای و احساس تعلق مجازی تکیه دارد. بنابراین، اعتماد در جوامع امروزی، از یک پدیده صرفاً اجتماعی به پدیده‌ای فناورانه-رابطه‌ای تبدیل شده است که نقشی کلیدی در مشارکت مدنی، بسیج سیاسی و انسجام دیجیتال دارد (Kirby, 2025) از منظر دینی، سرمایه اجتماعی را می‌توان در پیوند با مفاهیمی چون «اعتماد ایمانی»، «اخوت اسلامی» و «ولایت» تبیین کرد. قرآن کریم با تأکید بر برادری مؤمنان («إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، حجرات، ۱۰) و شورا در تصمیم‌گیری اجتماعی («وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»، شوری، ۳۸)، بنیان نظری اعتماد متقابل، همیاری و مشارکت در تصمیم‌سازی را بیان می‌کند. این مفاهیم می‌توانند به عنوان مبانی نظری سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی تفسیر شوند، زیرا بر ارزش‌های مشترک، اعتماد متقابل و پیوندهای ایمانی میان افراد جامعه استوارند. در نتیجه، تعاملات مجازی در فضای دیجیتال اگر بر پایه‌ی صداقت، ایمان و اعتماد شکل گیرد، می‌تواند بازتولیدکننده‌ی سرمایه اجتماعی ایمانی باشد و زمینه‌ی کنش جمعی مسئولانه و اصلاح‌گرا را فراهم سازد.

ترکیب نظریه‌ی بسیج منابع و نظریه‌ی سرمایه اجتماعی با مبانی دینی و قرآنی، چارچوبی تحلیلی و بومی ارائه می‌دهد که از سه سطح برخوردار است: در سطح ساختاری، شبکه‌های اجتماعی مجازی ابزارهای بسیج منابع اطلاعاتی و ارتباطی اند؛ در سطح کنشی، سرمایه اجتماعی دیجیتال بستر اعتماد و همبستگی میان شهروندان را فراهم می‌کند؛ و در سطح ارزشی، مبانی اسلامی جهت و مشروعیت اخلاقی و الهی کنش جمعی را تعیین می‌کنند. در نتیجه، جنبش‌های اعتراضی شهری در عصر دیجیتال را می‌توان نه به عنوان نمودی از گسست و تعارض، بلکه به مثابه شکلی از کنش جمعی آگاهانه، اخلاقی و اصلاح‌گرا در چارچوب ارزش‌های اسلامی تحلیل

کرد. چنین نگرشی، بنیانی برای بازتعریف رابطه‌ی فناوری، جامعه و ایمان در عصر شبکه‌ای فراهم می‌آورد و می‌تواند مسیر جدیدی برای مطالعات بومی جنبش‌های اجتماعی در ایران و جهان اسلام بگشاید.

پیشینه پژوهش

جدول ۱. پیشینه پژوهش (منبع: یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی استخراج شده از پیشینه پژوهش حاضر)

ردیف	نویسنده/نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
1	Hosseinzadeh (2024)	بررسی و تحلیل فرآیند تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر اعتراضات اقتصادپایه (مطالعه موردی آبان ۹۶ و دی ۹۸)	نتایج نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق ایجاد ارتباطات گسترده، دسترسی سریع به اطلاعات و شناخت و جذب مخاطبان، ظرفیت قابل توجهی برای بسیج، سازمان‌دهی، مشروعیت‌بخشی و استمرار اعتراضات داشتند. این یافته، نقش مستقیم شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش کنش‌های اعتراضی را تأیید کرد.
2	Harsij & Rabieinia (2023)	الگوی شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی	یافته‌ها نشان داد شبکه‌های اجتماعی در قالب سه فرایند «هنجارسازی»، «بسیج و سازمان‌دهی» و «واکنش میدانی» بر شکل‌گیری و تداوم جنبش‌های اعتراضی اثر گذاشتند و زمینه تعامل کاربران، تولید گفت‌وگو و اعتراضی و بسیج منابع را فراهم کردند.

جدول ۱. پیشینه پژوهش (منبع: یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی استخراج شده از پیشینه پژوهش حاضر)

ردیف	نویسنده/نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
3	Gholami, Rahmani Firouzjah, & Abbasi Esfajir (2022)	تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)	نتایج نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با آگاهی اجتماعی، مطالبه‌گری و امنیت مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری داشت. سرعت انتشار اطلاعات و قابلیت جهت‌دهی به افکار عمومی، از سازوکارهای مهم اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی معرفی شد.
4	Mousavifard, Forati, & Sadat Hosseini (2023)	نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تغییر آستانه تحمل مردم با تأکید بر واگرایی در محیط اعتراضات ضد امنیتی	یافته‌ها نشان داد انتشار گسترده محتوای احساسی، بازنمایی بحران‌های اجتماعی و تقویت نارضایتی عمومی در شبکه‌های اجتماعی می‌توانست به تشدید واگرایی اجتماعی و سیاسی و افزایش زمینه‌های اعتراضی منجر شود.
5	Naderiasl & Hosseini (2025)	تحلیل لایه‌ای اعتراض‌های ۱۴۰۱ برپایه الگوی مفهومی «جنبش‌های دستکاری‌شده»	نتایج نشان داد کنش‌های مجازی در اعتراضات ۱۴۰۱ اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند و شبکه‌های اجتماعی در کنار بهره‌گیری از بحران‌های موجود و حمایت‌های رسانه‌ای، در هدایت و شکل‌دهی به کنش‌های اعتراضی نقش داشته‌اند. این مطالعه بر اهمیت تحلیل چندلایه کنش اعتراضی در فضای دیجیتال تأکید کرد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش (منبع: یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی استخراج شده از پیشینه پژوهش حاضر)

ردیف	نویسنده/نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
6	Bassey (2024)	بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر مشارکت جوانان در اعتراضات اوت ۲۰۲۴ با شعار #به_حکومت_بد_پایان_دهید در نیجریه	نتایج نشان داد شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در بسیج و مشارکت جوانان در اعتراضات ایفا کردند و به عنوان بستری برای بیان مطالبات اجتماعی و سیاسی و هماهنگی فعالیت‌های اعتراضی مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین، موضوعاتی مانند گرانی، بیکاری، فساد، ناامنی، فقر و هزینه بالای حکمرانی از مهم‌ترین مضامین محتوای شبکه‌های اجتماعی مرتبط با بسیج جوانان بودند.
7	Vidal Jordán (2023)	شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان زیرساختی برای کنش جمعی	مطالعه نشان داد شبکه‌های اجتماعی مجازی به زیرساختی برای اطلاع‌رسانی، هماهنگی، سازمان‌دهی و بسیج کنش جمعی تبدیل شده‌اند و جنبش‌های اجتماعی نوین از این فضا برای توانمندسازی کنشگران و شکل‌دهی الگوهای جدید مشارکت سیاسی استفاده کرده‌اند.
8	McCoy et al. (2024)	حرکت در داخل، آنلاین و خیابان‌ها: تأثیر هم‌شکل جنبش‌های اجتماعی آنلاین در زندگی واقعی	یافته‌ها نشان داد شبکه‌های اجتماعی امکان شکل‌گیری هسته‌های جدید کنش جمعی و ارتباط میان افراد هم‌فکر را فراهم کرده‌اند، اما

جدول ۱. پیشینه پژوهش (منبع: یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی استخراج شده از پیشینه پژوهش حاضر)

ردیف	نویسنده/نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			تأثیرگذاری پایدار جنبش‌های آنلاین زمانی تقویت شده است که مشارکت مجازی به کنش واقعی و میدانی پیوند خورده باشد.
9	Freyu et al. (2023)	از صفحه‌نمایش‌ها تا خیابان‌ها؟ استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت در اعتراضات جلیقه‌زرها	نتایج نشان داد صرف استفاده عمومی از شبکه‌های اجتماعی به تنهایی مشارکت اعتراضی را پیش‌بینی نمی‌کرد، بلکه نوع مواجهه فعال کاربران با محتوای سیاسی، جست‌وجوی اطلاعات و بیان دیدگاه‌ها در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت در اعتراضات خیابانی را تقویت می‌کرد.
10	Buckley, Ginos, & Wagner (2021)	آیا دین افیون توده‌های دیجیتال است؟	یافته‌ها نشان داد اقتدار دینی می‌توانست رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تمایل به اعتراض را تعدیل کند و در برخی شرایط، مانعی برای گسترش کنش‌گری سیاسی در فضای دیجیتال باشد.
11	(Flückiger & Ludwig, 2025)	ساختار شبکه‌های اجتماعی آنلاین و جنبش‌های اجتماعی: شواهدی از اعتراضات جنبش «جان سیاه‌پوستان» مهم است»	یافته‌ها نشان داد شبکه‌های اجتماعی آنلاین، به‌ویژه فیس‌بوک، در انتشار جغرافیایی جنبش‌های اجتماعی نقش مهمی دارند. ارتباطات نزدیک‌تر

جدول ۱. پیشینه پژوهش (منبع: یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی استخراج شده از پیشینه پژوهش حاضر)

ردیف	نویسنده/نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			میان شهرستان‌ها در شبکه فیس‌بوک احتمال سرایت اعتراضات از یک منطقه به مناطق دیگر را افزایش می‌داد. همچنین، افزایش مواجهه کاربران با اعتراضات در شبکه اجتماعی آنلاین، احتمال شکل‌گیری کنش جمعی در منطقه خود را افزایش می‌داد.

مرور مطالعات پیشین نشان داد بخش عمده پژوهش‌های داخلی، نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی را در شکل‌گیری، سازمان‌دهی و گسترش اعتراضات یا در تقویت آگاهی و مشارکت سیاسی بررسی کرده‌اند؛ در مقابل، برخی مطالعات خارجی نیز بر ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد زیرساخت کنش جمعی، پیوند دادن فعالیت‌های آنلاین و میدانی و تقویت مشارکت اعتراضی تأکید داشته‌اند. با وجود این، در مطالعات موجود، به‌ویژه در زمینه جامعه شهری ایران، نقش «سرمایه اجتماعی آنلاین» به‌عنوان سازوکار میانجی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شهری کمتر به‌صورت یک مدل تجربی منسجم بررسی شده است. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در آن بود که ضمن بررسی اثر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جنبش‌های اعتراضی شهری، سرمایه اجتماعی آنلاین را به‌عنوان سازوکار تبیین‌کننده این رابطه وارد مدل پژوهش کرد و تلاش کرد نشان دهد چگونه اعتماد، انسجام و هنجارهای تعاملی شکل‌گرفته در فضای دیجیتال می‌توانند ظرفیت کاربران برای مشارکت، هماهنگی و کنش جمعی اعتراضی را تحت تأثیر قرار دهند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر از رویکرد صرفاً مستقیم به نقش رسانه‌های اجتماعی فراتر رفت و سازوکار اجتماعی میانجی این تأثیر را در بستر شهری مورد توجه قرار داد.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است که با رویکرد پیمایشی انجام شده است. رویکرد پژوهش کمی بوده و از مدل‌یابی معادلات ساختاری برای تحلیل روابط بین متغیرها استفاده شده است. این روش امکان بررسی همزمان روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها و تبیین نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین را فراهم کرده است.

جامعه آماری شامل کلیه کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی مجازی (اینستاگرام، تلگرام و توییتر) ساکن کلان‌شهر تهران بود که در گروه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال قرار داشتند. با توجه به گستردگی جامعه، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای جامعه نامحدود ۳۸۴ نفر تعیین شد که در عمل با لحاظ افت پاسخ‌گویی ۳۵۰ پرسشنامه کامل تحلیل شد. نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی هدفمند و در دسترس انجام گرفت. معیار ورود شامل حداقل شش ماه سابقه استفاده مستمر از شبکه‌های اجتماعی و رضایت آگاهانه برای شرکت در مطالعه بود. پاسخ‌گویانی که تمایل به تکمیل پرسشنامه نداشتند یا پاسخ‌های ناقص ارائه کردند از مطالعه کنار گذاشته شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود که در چهار بخش تنظیم شد:

۱- مشخصات جمعیت‌شناختی

۲- میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

۳- سرمایه اجتماعی آنلاین (شامل ابعاد اعتماد دیجیتال، انسجام شبکه‌ای و هنجارهای تعاملی)

۴- تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری.

گویه‌های پرسشنامه بر اساس مطالعات معتبر (تافکچی، ۲۰۱۷؛ الیسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ بنت و سگربرگ، ۲۰۱۲) طراحی و تدوین شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط سه نفر از اساتید جامعه‌شناسی و ارتباطات تأیید شد و روایی سازه با تحلیل عاملی تأییدی آزمون شد. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای همه مقیاس‌ها بالاتر از ۰.۷۸ به دست آمد.

گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و در بستر آنلاین انجام شد. لینک پرسشنامه از طریق گروه‌های تلگرامی و کانال‌های مرتبط با موضوعات اجتماعی منتشر شد و همچنین به صورت حضوری در محیط دانشگاهی توزیع گردید. جمع‌آوری داده‌ها در بازه زمانی دو ماهه (بهار تا

۱۴۰۴) انجام شد. کلیه شرکت کنندگان فرم رضایت نامه آگاهانه را تکمیل کردند و محرمانگی اطلاعات آنان تضمین شد.

تحلیل داده ها با نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و SmartPLS نسخه ۳ انجام شد. برای بررسی پایایی و روایی ابزار، از آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده گردید. برای آزمون فرضیه ها و بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین، از مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) و روش بوت استرپینگ به منظور آزمون معناداری ضرایب مسیرها استفاده شد. سطح معناداری در کلیه آزمون ها 0.05 در نظر گرفته شد.

این پژوهش بر اساس نظریه بسیج منابع (McCarthy & Zald, 1977) و نظریه سرمایه اجتماعی (Putnam, 2000; Ellison et al., 2007) طراحی شده است. مدل مفهومی تحقیق بر این فرض استوار است که استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم (از طریق تقویت سرمایه اجتماعی آنلاین) موجب افزایش تمایل به مشارکت در جنبش های اعتراضی شهری می شود.

یافته های پژوهش

جدول ۱. توصیف ویژگی های جمعیت شناختی و الگوی سابقه استفاده از شبکه های اجتماعی در نمونه پژوهش

متغیر	دسته بندی	فراوانی (n)	درصد (%)
جنسیت	مرد	185	52.9
	زن	165	47.1
سن	۱۸-۲۴	130	37.1
	۲۵-۳۵	180	51.4
	۳۶-۴۵	40	11.4
	بالتر از ۴۵	-	-
سطح تحصیلات	دیپلم و پایین تر	25	7.1
	کاردانی	40	11.4
	کارشناسی	160	45.7

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و الگوی سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی در نمونه پژوهش

متغیر	دسته‌بندی	فراوانی (n)	درصد (%)
	کارشناسی ارشد	100	28.6
	دکتری	25	7.1
وضعیت اشتغال	شاغل	190	54.3
	دانشجو	120	34.3
	بیکار	40	11.4
	سایر	—	—
سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی	کمتر از ۱ سال	20	5.7
	۱-۳ سال	80	22.9
	۳-۵ سال	150	42.9
	بیش از ۵ سال	100	28.6

جدول توزیع ویژگی‌های دموگرافیک شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که از مجموع ۳۵۰ نفر پاسخ‌گو، ۵۲٫۹ درصد مرد و ۴۷٫۱ درصد زن بوده‌اند. بیشترین گروه سنی مربوط به بازه ۲۵ تا ۳۵ سال (۵۱٫۴ درصد) و پس از آن گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال (۳۷٫۱ درصد) بوده است. در بخش تحصیلات، اکثریت پاسخ‌گویان دارای مدرک کارشناسی (۴۵٫۷ درصد) و کارشناسی ارشد (۲۸٫۶ درصد) بوده‌اند. از نظر وضعیت اشتغال، ۵۴٫۳ درصد افراد شاغل، ۳۴٫۳ درصد دانشجو و ۱۱٫۴ درصد بیکار بوده‌اند. همچنین، ۷۱٫۵ درصد از شرکت‌کنندگان بیش از سه سال سابقه استفاده مستمر از شبکه‌های اجتماعی داشته‌اند که این امر نشان‌دهنده آشنایی گسترده نمونه با محیط‌های مجازی و اعتبار پاسخ‌های آنان در زمینه موضوع تحقیق است.

جدول ۲. همبستگی پیرسون میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی آنلاین و مشارکت در اعتراضات

شهری

مشارکت در اعتراضات	سرمایه اجتماعی آنلاین	استفاده از شبکه‌های اجتماعی		
		1	ضریب همبستگی	استفاده از شبکه‌های اجتماعی
.607**	.445**		سطح معنی داری	
.000	.000	350	تعداد	
		350	ضریب همبستگی	سرمایه اجتماعی آنلاین
.409**	1	.445**	سطح معنی داری	
.000	.000	.000	تعداد	
		350	ضریب همبستگی	مشارکت در اعتراضات
1	.409**	.607**	سطح معنی داری	
.000	.000	.000	تعداد	
350	350	350		

نتایج جدول همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مشارکت در اعتراضات شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ($r=0.607$, $p<0.001$) همچنین، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با سرمایه اجتماعی آنلاین نیز همبستگی مثبت قابل توجهی دارد ($r=0.445$, $p<0.001$). ضریب همبستگی میان سرمایه اجتماعی آنلاین و مشارکت در اعتراضات برابر با 0.409 ($p<0.001$) بوده که بیانگر رابطه معنادار بین این دو متغیر است. این یافته‌ها تأیید می‌کنند که استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی، ضمن ارتقای سرمایه اجتماعی آنلاین، می‌تواند سطح مشارکت اعتراضی را افزایش دهد. تمامی ضرایب همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند.

جدول ۳. ضرایب بار عاملی (Factor Loadings) گویه‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش

بار عاملی	
0.805	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی - x1
0.679	سرمایه اجتماعی آنلاین - x10
0.750	سرمایه اجتماعی آنلاین - x11
0.714	سرمایه اجتماعی آنلاین - x12
0.728	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری - x13

جدول ۳. ضرایب بار عاملی (Factor Loadings) گویه‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش

بار عاملی	
0.867	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری - x14
0.835	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری - x15
0.698	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری - x16
0.833	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی - x2
0.824	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی - x3
0.653	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی - x4
0.757	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی - x5
0.648	سرمایه اجتماعی آنلاین - x7
0.631	سرمایه اجتماعی آنلاین - x8
0.728	سرمایه اجتماعی آنلاین - x9
0.668	سرمایه اجتماعی آنلاین - x6

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، کلیه گویه‌های مرتبط با سه متغیر اصلی پژوهش دارای بار عاملی مناسب و قابل قبول بوده‌اند. در بعد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، بارهای عاملی بین ۰٫۶۵۳ تا ۰٫۸۳۳، متغیر بوده که نشان‌دهنده پایایی مطلوب این مقیاس است. گویه‌های سرمایه اجتماعی آنلاین ضرایب بین ۰٫۶۳۱ تا ۰٫۷۵۰ را به دست آورده‌اند و همگی از حد آستانه ۰٫۶۰ عبور کرده‌اند که اعتبار ابعاد مفهومی را تأیید می‌کند. همچنین، گویه‌های مرتبط با تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری بیشترین بار عاملی را داشته‌اند و ضرایب آن‌ها در محدوده ۰٫۶۹۸ تا ۰٫۸۶۷ قرار گرفته که بیانگر سازگاری و همبستگی قوی گویه‌ها با عامل مربوطه است.

جدول ۴. شاخص‌های پایایی و روایی سازه‌های اصلی پژوهش

(آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج‌شده)

شاخص ave	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ	
0.604	0.883	0.834	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
0.616	0.864	0.789	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری
0.475	0.863	0.827	سرمایه اجتماعی آنلاین

نتایج جدول ارزیابی پایایی و روایی سازه‌ها نشان می‌دهد که همه متغیرهای پژوهش از شاخص‌های قابل قبول برخوردارند. مقدار آلفای کرونباخ برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی برابر با ۰,۸۳۴ و برای سرمایه اجتماعی آنلاین ۰,۸۲۷ بوده است که هر دو بالاتر از حد آستانه ۰,۷۰ و نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب مقیاس‌ها هستند. همچنین، مقادیر پایایی مرکب برای هر سه متغیر اصلی بالاتر از ۰,۸۶ محاسبه شد که بیانگر پایایی ترکیبی بسیار خوب است. مقدار AVE برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی (۰,۶۰۴) و تمایل به مشارکت اعتراضی (۰,۶۱۶) بالاتر از سطح توصیه‌شده ۰,۵۰ بوده و روایی همگرا را تأیید می‌کند. هرچند AVE سرمایه اجتماعی آنلاین کمی پایین‌تر (۰,۴۷۵) گزارش شده است، اما به دلیل مقادیر مطلوب پایایی مرکب و آلفای کرونباخ، این سازه همچنان از اعتبار لازم برخوردار است. این نتایج نشان می‌دهد ابزار اندازه‌گیری پژوهش از دقت و پایایی مناسبی برای تحلیل داده‌ها برخوردار بوده است.

جدول ۵. معیار فورنل-لارکر برای ارزیابی روایی و اگر میان سازه‌های اصلی پژوهش

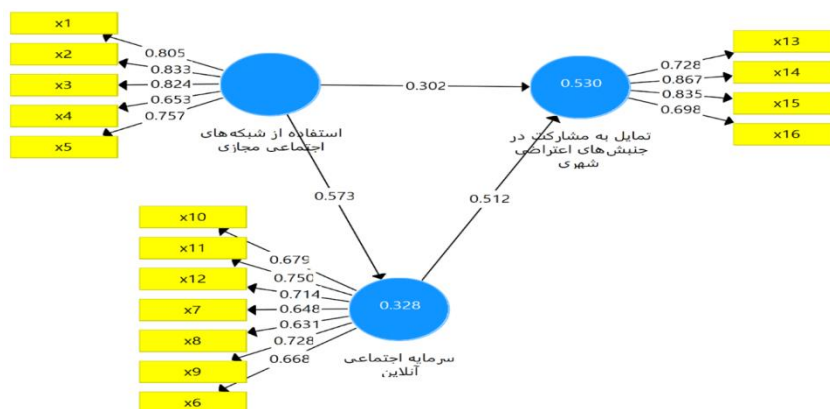
سرمایه اجتماعی آنلاین	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	
		0.777	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
	0.785	0.595	تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری
0.689	0.685	0.573	سرمایه اجتماعی آنلاین

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که روایی و اگرایی سازه‌های اصلی پژوهش بر اساس معیار فورنل-لارکر به‌طور نسبی تأیید می‌شود. مقدار جذر میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) در قطر اصلی ماتریس برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (۰,۷۷۷)، سرمایه اجتماعی آنلاین (۰,۶۸۹) و تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری (۰,۷۸۵) همگی از ضرایب همبستگی بین سازه‌ها بزرگ‌تر هستند. این مقادیر بیانگر آن است که هر سازه بیش از آنکه با سایر سازه‌ها همبستگی داشته باشد، توانایی تبیین واریانس گویه‌های خود را دارد. بنابراین، این نتایج روایی و اگرایی مناسب مقیاس‌های اندازه‌گیری را تأیید کرده و نشان می‌دهد سازه‌های تحقیق از نظر مفهومی متمایز بوده‌اند.

جدول ۶. ضرایب مسیرهای مستقیم مدل معادلات ساختاری میان متغیرهای اصلی پژوهش

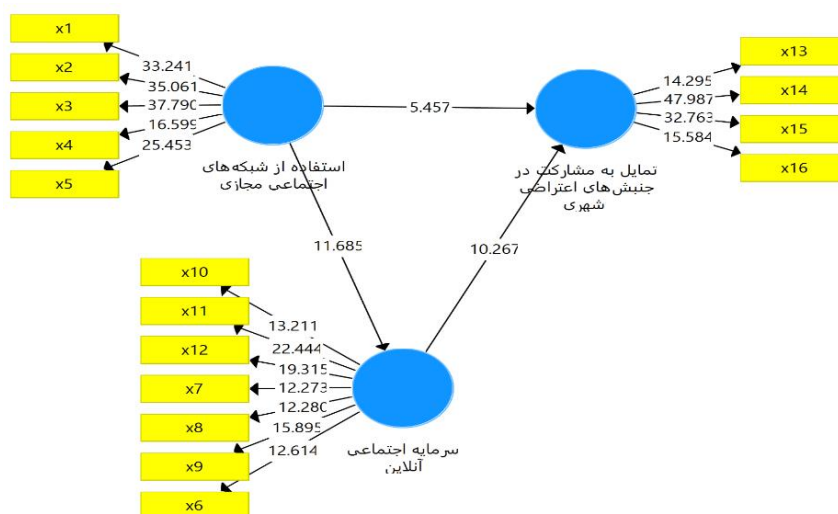
سطح معنی داری	عدد تی	انحراف معیار	مقدار برآورد شده	
0.000	5.457	0.055	0.302	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی -> تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری
0.000	11.685	0.049	0.573	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی -> سرمایه اجتماعی آنلاین
0.000	10.267	0.050	0.512	سرمایه اجتماعی آنلاین -> تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری

جدول ۶ نتایج تحلیل مسیر در مدل معادلات ساختاری را نشان می‌دهد که در آن همه مسیرهای مستقیم بین متغیرها معنادار بوده‌اند. مسیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی دارای ضریب برآورد شده ۰٫۳۰۲ و آماره t معادل ۵٫۴۵۷ بود ($p < 0.001$)، که حاکی از اثر مثبت و معنادار این متغیر است. مسیر بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی آنلاین قوی‌ترین اثر مستقیم را نشان داد (ضریب = ۰٫۵۷۳، $t = 11.685$) که نشان‌دهنده نقش مهم شبکه‌های اجتماعی در تقویت پیوندها و اعتماد دیجیتال است. همچنین سرمایه اجتماعی آنلاین اثر مثبت و معناداری بر تمایل به مشارکت اعتراضی داشت (ضریب = ۰٫۵۱۲، $t = 10.267$)، این یافته‌ها به‌طور کلی فرضیات تحقیق را مبنی بر تأثیر چندسطحی استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین تأیید می‌کنند.



شکل ۱: «مدل معادلات ساختاری روابط بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه اجتماعی آنلاین و تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری» براساس ضرایب استاندارد شده

نمودار مسیر ارائه شده، ساختار روابط میان سه متغیر اصلی یعنی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه اجتماعی آنلاین و تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری را براساس مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد. تمامی بارهای عاملی هر سه سازه (اعم از ۱x تا ۱۶x) بالاتر از ۰,۶ هستند که این امر نشان‌دهنده روایی همگرا و مطلوب گویه‌هاست؛ به عبارت دیگر، هر یک از شاخص‌ها به خوبی متغیر مکنون مربوط به خود را اندازه‌گیری کرده‌اند. بر اساس ضرایب مسیر، مشخص است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی هم به طور مستقیم (با ضریب ۰,۳۰۲) و هم از طریق سرمایه اجتماعی آنلاین به شکل غیرمستقیم (مجموعه مسیرهای ۰,۵۷۳ و ۰,۵۱۲)، تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری را تقویت می‌کند. همچنین، ضرایب تعیین (R^2) برای سرمایه اجتماعی آنلاین (۰,۳۲۸) و برای تمایل به مشارکت (۰,۵۳۰) نشان می‌دهد که مدل بخش قابل توجهی از تغییرات این دو متغیر را تبیین می‌نماید. در مجموع، این مدل تأیید می‌کند که استفاده فعال از شبکه‌های اجتماعی مجازی، به ویژه از طریق تقویت سرمایه اجتماعی آنلاین، می‌تواند به افزایش تمایل شهروندان برای مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری منجر شود.



شکل ۲: «مدل معادلات ساختاری روابط بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه اجتماعی آنلاین و تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری» براساس ضرایب معناداری

نمودار حاضر مدل معادلات ساختاری رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه اجتماعی آنلاین و تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری را نمایش می‌دهد و این بار مقادیر عددی ارائه شده برای هر شاخص بیانگر ضرایب معناداری (احتمالاً تی-استودنت یا t-value) گویه‌های هر عامل و همچنین مسیرهای بین عوامل است. مشاهده می‌شود تمامی ضرایب معناداری بارهای عاملی (مانند ۳۳,۲۴۱ برای ۱x و ۴۷,۹۸۷ برای ۱۴x) و نیز ضرایب مسیرها (نظیر ۱۱,۶۸۵ و ۱۰,۲۶۷) بسیار فراتر از مقدار بحرانی (مثلاً ۱,۹۶ در سطح ۹۵٪ اطمینان) هستند و این نشان می‌دهد که هم تمامی مسیرهای فرض شده در مدل و هم گویه‌های سنجش‌کننده هر سازه، از لحاظ آماری کاملاً معنادارند و نقش سازنده‌ای در تبیین مدل دارند. این نتایج تأکید می‌کند که استفاده فعال از شبکه‌های اجتماعی مجازی، هم به صورت مستقیم و هم از طریق افزایش سرمایه اجتماعی آنلاین، باعث افزایش تمایل شهروندان برای مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری می‌شود و این روابط، از لحاظ آماری نیز پشتوانه محکمی دارند.

آزمون سابل

برای ارزیابی نقش میانجی یک متغیر در مدل معادلات ساختاری، لازم است اثر غیرمستقیم مسیرهای علی بررسی شود. آزمون سابل یکی از رایج‌ترین روش‌هاست که با استفاده از ضرایب مسیر و خطاهای استاندارد، معنی‌داری اثر غیرمستقیم را برآورد می‌کند. این آزمون به پژوهشگران کمک می‌کند مشخص کنند آیا متغیر میانجی به‌طور قابل توجهی بخشی از رابطه بین متغیر مستقل و وابسته را توضیح می‌دهد یا خیر.

جدول ۶ - نتایج آزمون سابل برای بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین

مسیر میانجی	ضریب a	SE a	ضریب b	SE b	Z	سطح معنی‌داری
استفاده از شبکه‌های اجتماعی □ سرمایه اجتماعی آنلاین □ تمایل به مشارکت اعتراضی	0.573	0.049	0.512	0.050	7.696	p<0.001

آزمون سابل نشان داد که سرمایه اجتماعی آنلاین به‌طور معناداری نقش میانجی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری ایفا می‌کند. مقدار Z برابر ۷,۶۹۶ بوده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۰۱ معنی‌دار است. این یافته تأیید می‌کند که

بخش مهمی از تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتارهای اعتراضی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی آنلاین منتقل می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در شکل‌گیری تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری و تحلیل نقش میانجی سرمایه اجتماعی آنلاین انجام شد. بر اساس چارچوب نظری تحقیق که ترکیبی از نظریه بسیج منابع و نظریه سرمایه اجتماعی بود، انتظار می‌رفت استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تقویت ظرفیت‌های ارتباطی و اعتماد جمعی، موجب افزایش مشارکت اعتراضی شود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی با تمایل به مشارکت اعتراضی رابطه مثبت و معناداری دارد. ضریب مسیر مستقیم بین این دو متغیر ($\beta = 0.302$) نشان می‌دهد هرچه کاربران از این رسانه‌ها بیشتر بهره می‌گیرند، آمادگی بیشتری برای حضور در اعتراضات شهری پیدا می‌کنند. این نتیجه با یافته‌های مطالعات بین‌المللی از جمله (Carollac, 2019)، Freyu et al. (2023) و McCoy et al. (2024) هم‌راستا است که نقش حیاتی رسانه‌های اجتماعی در بسیج سیاسی و اجتماعی را تأیید کرده‌اند.

نتایج کمی پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی سازگار است. به‌عنوان نمونه، Hosseinzadeh (2024) در مطالعه‌ای درباره اعتراضات معیشتی ایران نشان داد شبکه‌های اجتماعی با فراهم‌سازی بستر بسیج عمومی و اطلاع‌رسانی سریع، نقش مؤثری در سازمان‌دهی اعتراضات ایفا می‌کنند. همچنین Harsij and Rabieinia (2023) تأکید کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی در قالب سه کارکرد اصلی «هنجارسازی»، «بسیج منابع» و «واکنش میدانی» به تکوین و استمرار جنبش‌های اعتراضی کمک می‌کنند.

در سطح بین‌المللی نیز یافته‌های Cardoni and Sauda (2019) و Zoor and Hatuka (2023) نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی نه تنها ابزار ارتباطی، بلکه بستری برای شکل‌دهی گفتمان اعتراضی شهری هستند. همچنین Buckley et al. (2021) و Tsorlaki (2020) در

مطالعات خود در جوامع اسلامی بر نقش دوگانه‌ی رسانه‌های اجتماعی در تقویت آگاهی سیاسی و، در عین حال، تضعیف مشروعیت دینی تأکید کرده‌اند.

تحلیل مسیرها در مدل معادلات ساختاری نیز نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌طور قابل توجهی سرمایه اجتماعی آنلاین را افزایش می‌دهد. ($\beta = 0.573$) این یافته با نظریه سرمایه اجتماعی Putnam و Lin هم‌خوانی دارد و بیانگر آن است که تعاملات مداوم در بسترهای مجازی، سطح اعتماد دیجیتال، انسجام شبکه‌ای و هنجارهای همیاری را میان کاربران تقویت می‌کند. چنین سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز سازمان‌دهی سریع کنش‌های اعتراضی شود.

همچنین مشخص شد سرمایه اجتماعی آنلاین به‌طور مستقیم بر تمایل به مشارکت اعتراضی اثر مثبت و معنادار دارد. ($\beta = 0.512$) این نتیجه نشان می‌دهد که فراتر از میزان استفاده از شبکه‌ها، کیفیت و عمق پیوندها و تعاملات مجازی اهمیت زیادی در تحریک و تقویت آمادگی برای مشارکت جمعی دارد. این یافته با رویکردهای نظری (Bennett and Segerberg 2012) و Castells (2012) که بر ظرفیت بسیج‌کننده سرمایه اجتماعی آنلاین تأکید دارند، همسو است. در مقایسه با پیشینه تحقیق داخلی، نتایج حاضر هم‌راستا با مطالعات Harsij and Rabieinia (2023)، Hosseinzadeh (2024)، Mousavifard et al. (2023) و Naderiasl and Hosseini (2025) است که نشان داده‌اند شبکه‌های اجتماعی هم در مرحله هنجارسازی اعتراض و هم در بسیج و سازمان‌دهی آن تأثیرگذار هستند. اما برخلاف پژوهش‌هایی نظیر Hosseinizadeh Arani et al. (2022) که بر عوامل ساختاری تأکید داشتند، در این تحقیق نقش عوامل تعاملی و سرمایه اجتماعی آنلاین برجسته‌تر شد.

از دیدگاه نظری، بر مبنای نظریه بسیج منابع، رسانه‌های اجتماعی با کاهش هزینه‌های هماهنگی و سازمان‌دهی، فراهم کردن اطلاعات لحظه‌ای و ایجاد امکان اتصال فوری میان کاربران، بستری کارآمد برای شکل‌گیری هسته‌های کنش جمعی فراهم می‌کنند. هم‌زمان، نظریه سرمایه اجتماعی توضیح می‌دهد که صرف استفاده از رسانه‌ها کافی نیست، بلکه باید اعتماد متقابل و انسجام شبکه‌ای به‌عنوان پیش‌شرط‌های مشارکت مؤثر ایجاد شود. یافته‌های پژوهش، اهمیت تحلیل

چندلایه پدیده‌های اعتراضی را برجسته می‌سازد. نتایج آماری و تحلیلی نشان می‌دهد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ارتقای سرمایه اجتماعی آنلاین و تسهیل جریان اطلاعات، زمینه‌ساز افزایش تمایل به مشارکت در جنبش‌های اعتراضی شهری است. در عین حال، نقش سرمایه اجتماعی آنلاین به عنوان متغیر میانجی تأیید می‌کند که کنش‌گری دیجیتال نه فقط ناشی از دسترسی به رسانه‌ها، بلکه محصول روابط اعتماد و همبستگی در فضای مجازی است.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌های اجتماعی ضمن افزایش آگاهی و انسجام افکار عمومی، می‌توانند به بازتعریف اعتماد سیاسی و مشروعیت حاکمیت در جوامع اسلامی منجر شوند. این امر نیازمند سیاست‌گذاری هوشمند در جهت افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و مدیریت ارتباطی مؤثر در فضای دیجیتال است. به‌ویژه باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی آنلاین نه تنها مشارکت مسالمت‌آمیز را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه می‌تواند در برخی شرایط به تسریع شکل‌گیری اعتراضات گسترده‌تر و حتی رفتارهای رادیکال‌تر بینجامد. این یافته می‌تواند برای سیاست‌گذاران و نهادهای مسئول در حوزه مدیریت اجتماعی و امنیتی آموزنده باشد. در عین حال، پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز دارد؛ از جمله تمرکز بر یک کلان‌شهر (تهران)، استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی و بهره‌گیری از داده‌های خوداظهاری که ممکن است با سوگیری همراه باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی این موضوع را در سایر شهرها و با ترکیب روش‌های کیفی-کمی و رویکرد تطبیقی دنبال کنند تا تصویر جامع‌تری از سازوکارهای اعتراضی در بستر شبکه‌های اجتماعی به دست آید.

بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود نهادهای مرتبط با مدیریت اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌های ارتقای سواد رسانه‌ای و مهارت‌های تفکر انتقادی را توسعه دهند تا کاربران بتوانند در برابر جریان‌های خبری هدفمند و محتواهای احساسی مقاومت بیشتری داشته باشند. همچنین، ایجاد بسترهای گفت‌وگوی مدنی و شفاف می‌تواند نقش مهمی در کاهش گرایش به کنش‌های اعتراضی رادیکال ایفا کند. در نهایت، این مطالعه تأیید می‌کند که عصر دیجیتال، الگوهای سنتی مشارکت سیاسی و اجتماعی را به‌طور اساسی دگرگون ساخته است. رسانه‌های اجتماعی نه تنها ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه بستر تولید سرمایه اجتماعی جدید و سازمان‌دهی کنش جمعی هستند. بنابراین، هرگونه سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه نارضایتی‌های اجتماعی باید این تحولات را به

رسمیت شناخته و بر اساس شناخت دقیق تعامل میان ابعاد ساختاری و رابطه‌ای، طراحی و اجرا شود. از منظر کاربردی، این بدان معناست که سیاست‌گذارانی که تمایل دارند سطح مشارکت مدنی و اعتراضی سالم در شهرها را حفظ کنند، باید فراتر از فراهم‌سازی صرف فرصت‌های حضور آنلاین عمل کرده و به تقویت سرمایه اجتماعی آنلاین توجه نمایند؛ از جمله از طریق افزایش تعامل کاربر-کاربر، ساختاردهی گروه‌های مجازی معنادار، و ایجاد فضای اعتماد در شبکه‌های اجتماعی. در جوامع اسلامی که حکمرانی بر پایه مشروعیت دینی استوار است، تقویت این بستر دیجیتال می‌تواند به بازسازی اعتماد سیاسی نیز منجر شود.

در نتیجه، می‌توان گفت که رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده سرمایه اجتماعی آنلاین و به تبع آن مشارکت اعتراضی عمل می‌کنند؛ اما این فرآیند زمانی به بازتعریف اعتماد سیاسی منتهی می‌شود که نهادها پاسخ‌گو بوده و فضای دیجیتال به فرصتی برای گفت‌وگو و تعامل سازنده تبدیل گردد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که رسانه‌های اجتماعی صرفاً ابزار نیستند، بلکه بخشی از سازوکار شکل‌گیری اعتماد، سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی محسوب می‌شوند؛ و در چارچوب حکمرانی اسلامی، این فرآیند اهمیتی مضاعف دارد.

فهرست منابع

- Bassey, A. U. (2024). Investigating the influence of social media on youth engagement in the August 2024 #EndBadGovernance protests in Nigeria. *Technium Social Sciences Journal*, 61, 91–101. <https://doi.org/10.47577/tssj.v61i1.11624>
- Bassey, A. U. (2024). Investigating the Influence of Social Media on Youth Engagement in the August 2024 #EndBadGovernance Protests in Nigeria. *Technium Social Sciences Journal*, 61(1). https://consensus.app/papers/investigating-the-influence-of-social-media-on-youth-bassey/fe89a1dce6d95bd3832c595f7e22d4a7/?utm_source=chatgpt
<https://doi.org/10.47577/tssj.v61i1.11624>
- Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2012). The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics. *Information, Communication & Society*, 15(5), 739–768. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2012.670661>
- Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2012). The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics. *Information, Communication & Society*, 15(5), 739–768. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2012.670661>
- Buckley, D. T., Gainous, J., & Wagner, K. M. (2021). Is Religion the Opiate of the Digital Masses? Religious Authority, Social Media, and Protest. *Information, Communication & Society*, 26(5), 682–698. https://consensus.app/papers/is-religion-the-opiate-of-the-digital-masses-religious-buckley-gainous/a8906a3d90355bcba6d51581f0f75c81/?utm_source=chatgpt
<https://doi.org/10.1080/1369118X.2021.1971279>
- Castells, M. (2012). *Networks of outrage and hope: Social movements in the Internet age*. Polity Press.
- Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe, C. (2007). The benefits of Facebook “friends”: Social capital and college students’ use of online social network sites. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 12(4), 1143–1168. <https://doi.org/10.1111/j.1083-6101.2007.00367.x>
- Enjolras, B., Steen-Johnsen, K., & Wollebæk, D. (2013). Social media and mobilization to offline demonstrations: Transcending participatory divides? *New Media & Society*, 15(6), 890–908. <https://doi.org/10.1177/1461444812462844>
- Flückiger, M., & Ludwig, M. (2025). The structure of online social networks and social movements: Evidence from the Black Lives Matter protests. *Journal of Public Economics*, 246, 105373. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2025.105373>
- Freyu, K., & Others. (2023). From Screens to Streets? Social Media Use and Participation in the Yellow Vests Protests. *Politics*. <https://doi.org/10.1177/02633957231185225>
- Gholami, B., Rahmani Firouzjah, A., & Abbasi Asfajir, A. (2022). Sociological explanation of the effect of virtual social networks on political participation security in the Islamic Republic of Iran: A case study of Tehran citizens. *Basij Strategic Studies*, 25(97), 71–98. (In Persian).
- Ghorbani, M. (2024). New social movements: A framework for analyzing the latent protest potentials in Iran with emphasis on the last decade. *Islamic Revolution Research Quarterly*, 14(51), 1–17. <https://doi.org/10.22084/rjir.2024.28639.3728> (In Persian).
- Harsij, H., & Rabieinia, B. (2023). A model of the formation of protest movements with an emphasis on the role of virtual social networks. *Applied Sociology*, 34(3), 1–22. <https://doi.org/10.22108/jas.2023.136185.2367> [In Persian]

- Hersij, H., & Rabiee Nia, B. (2023). The pattern of formation of protest movements with emphasis on the role of virtual social networks. *Applied Sociology*, 34(3), 1–22. <https://doi.org/10.22108/jas.2023.136185.2367> (In Persian).
- Hosseinizadeh Arani, S. S., Moradi, A., Vosoughi Asl, A., & Mehtari Arani, M. (2022). An analysis of the social roots of the formation and emergence of social dissatisfaction in Iran: A case study of Tehran citizens. *National Security*, 12(43), 227–260. (In Persian).
- Howard, P. N., & Hussain, M. M. (2013). *Democracy's fourth wave? Digital media and the Arab Spring*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199936953.001.0001>
- Karduni, A., & Sauda, E. (2019). Anatomy of a Protest: Spatial Information, Social Media, and Urban Space. *Social Media + Society*, 6(4). https://consensus.app/papers/anatomy-of-a-protest-spatial-information-social-media-and-karduni-sauda/ce6f5ab891a851508e9314219bb16dc2/?utm_source=chatgpt <https://doi.org/10.1177/2056305119897320>
- Karolak, M. (2019). Social media and urban social movements: The anatomy of continued protest in authoritarian contexts. *Contemporary Arab Affairs*, 12(2), 25–52. <https://doi.org/10.1525/caa.2019.122002>
- Katz, Y. (2019). Social Media and New Politics in the Middle East. *Journal of Social and Political Sciences*, 2(3). https://consensus.app/papers/social-media-and-new-politics-in-the-middle-east-katz/20d5f61fab2e5b98a01c36eb97986b56/?utm_source=chatgpt <https://doi.org/10.31014/aior.1991.02.03.120>
- Kim, H., & Lim, C. (2019). From Virtual Space to Public Space: The Role of Online Political Activism in Protest Participation During the Arab Spring. *International Journal of Comparative Sociology*, 60(6), 409–434. https://consensus.app/papers/from-virtual-space-to-public-space-the-role-of-online-kim-lim/eb6c0f5348e953f0bcb233019300835c/?utm_source=chatgpt <https://doi.org/10.1177/0020715219894724>
- McCarthy, J. D., & Zald, M. N. (1977). Resource mobilization and social movements: A partial theory. *American Journal of Sociology*, 82(6), 1212–1241. <https://doi.org/10.1086/226464>
- McCoy, S. L., & others. (2024). Moving Inside, Online and in the Streets: The Isomorphic Impact of Online Social Movements on Real-Life. In [Book Title] (pp. 299–320). <https://doi.org/10.1016/b978-0-323-90237-3.00014-x>
- Mousavi-Fard, S. M. R., Farati, M., & Sadat-Hosseini, M. (2023). The role of virtual social networks in changing people's tolerance threshold with emphasis on divergence in the environment of anti-security protests. *Virtual Space Legal Studies*, 2(4), 13–28. (In Persian).
- Mousavifard, S. M. R., Forati, M., & Sadat Hosseini, M. (2023). The role of virtual social networks in changing people's tolerance threshold with an emphasis on divergence in the context of anti-security protests. *Quarterly Journal of Cyber Space Legal Studies*, 2(4). [In Persian]
- Naderi Asl, S., & Hosseini, S. J. (2025). Layered analysis of the 2022 protests based on the conceptual model of “manipulated movements.” *Political and International Approaches*, 17(1), 93–119. <https://doi.org/10.48308/piaj.2025.237974.1619> (In Persian).
- Naderi Asl, S., & Hosseini, S. J. (2025). Layered analysis of the 1401 protests based on the conceptual model of “manipulated movements.” *Political and International Approaches*, 17(1), 93–119. <https://doi.org/10.48308/piaj.2025.237974.1619> [In Persian]
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.

- Rahimi, B. (2011). The agonistic social media: Cyberspace in the formation of dissent and consolidation of state power in postelection Iran. *The Communication Review*, 14(3), 158–178. <https://doi.org/10.1080/10714421.2011.597240>
- Rezadoost, K., Hezarjeribi, J., Kazemi, E., & Tavvafi, H. (2023). Discourse analysis of the contexts of dissatisfaction and protest behaviors during the last two decades: Emphasizing Laclau and Mouffe's discourse analysis. *Sociology of Social Institutions*, 10(21), 235–277. <https://doi.org/10.22080/ssi.2023.25231.2097> (In Persian).
- Tufekci, Z. (2017). *Twitter and tear gas: The power and fragility of networked protest*. Yale University Press. <https://doi.org/10.12987/9780300228175>
- Valenzuela, S. (2013). Unpacking the use of social media for protest behavior: The roles of information, opinion expression, and activism. *American Behavioral Scientist*, 57(7), 920–942. <https://doi.org/10.1177/0002764213479375>
- Vidal Jordán, J. A. (2022). Las redes sociales virtuales como infraestructura para la acción colectiva: Análisis del colectivo “Keiko No Va” en la plataforma Facebook durante la campaña electoral 2016. *Tram[p]as de la Comunicación y la Cultura*, 87, e063. <https://doi.org/10.24215/2314274xe063>
- Weipert-Fenner, I. (2024). Trust and social movements: A new research agenda. *International Journal of Comparative Sociology*, 65(1), 23–47. <https://doi.org/10.1177/00207152241246216>
- Zur, H., & Hatuka, T. (2023). Local-Digital Activism: Place, Social Media, Body, and Violence in Changing Urban Politics. *Social Media + Society*, 9(2). https://consensus.app/papers/local-digital-activism-place-social-media-body-and-zur-hatuka/a2d20836ea6f5b2685c1ffa10c2af3fc/?utm_source=chatgpt
<https://doi.org/10.1177/20563051231166443>

